

## Dr. Bagheri's Online Critical Thinking Courses

### دوره آموزش مهارت تفکر در تلویزیون آینه

#### جلسه سی و یکم

#### تواضع فکری

#### Intellectual Humility

این برنامه آموزشی با پشتیبانی و حمایت بنیاد غیر انتفاعی آینه تهیه و تقدیم حضور شما عزیزان میشود. در این بسته آموزشی که صد جلسه خواهد بود، اصول درست فکر کردن بر اساس آموزه های تفکر نقادانه، (Critical Thinking) و همچنین با بهره گیری از آخرین یافته های علمی در زمینه تفکر، آموزش داده میشود. هدف از این برنامه ها آشنایی همگان با اصول درست اندیشیدن است تا از این طریق شاهد گسترش هر چه بیشتر عقل ورزی و خردگرایی در جامعه و زدودن خرافات از ذهن ها باشیم.

بدون شک، تفکر صحیح و بدون بدور از جزم اندیشی نیازمند آموزش است و معمولا به شکل طبیعی در کسی شکل نمیگیرد. با بهره گیری از اصول تفکر منطقی و منصفانه میتوان باورهای منطقی و مستدل داشت، تصمیم های با کیفیت تری گرفت، در پیدا کردن راه حل برای مشکلات موفق تر عمل کرد، احساسات و عواطف خود را بهتر به کنترل خود در آورد، و در کنار اینها از قابلیت تفکر در آموزش و یادگیری بهره برد و کیفیت یادگیری را بالاتر برد. از این رو مهارت درست فکر کردن در مجامع دانشگاهی مورد توجه قرار گرفته و اصول تفکر صحیح به شکلی آکادمیک طراحی میشود تا به افراد جامعه کمک کند تا تصمیم های منطقی تری بگیرند و در حل مشکلات و مسائل با تیزبینی عمل کنند. امیدواریم این برنامه ها مورد توجه شما عزیزان قرار گیرد.

طرح چند سوال:

#### تواضع فکری

تواضع فکری یکی از فضیلت های فکری انسان متفکر است. تواضع فکری داشتن یعنی تظاهر به دانستن چیزی که نمی دانیم، نکنیم.

ذهن انسان در حالت طبیعی معمولا گرایش دارد که خود را دانا بداند. تمایل دارد اگر مطلبی را نمیداند جهل خود را پنهان کند، یا ادای دانستن در بیاورد یا ادعای دانستن کند.

تواضع فکری یعنی آگاهی نسبت به این گرایش طبیعی ذهن بشر که میخواهد وانمود کند میداند، بیش از آنچه را در واقع میداند.

باید با این گرایش ذهن خود مبارزه کرد. باید همواره به خود یادآوری کنیم که نسبت آنچه میدانیم به آنچه نمیدانیم بسیار ناچیز است. ما همه چیز را نمیدانیم. بنابراین کمی در اظهار نظر کردن محتاط

باشیم. باید حواسمان باشد که چه بسا اطلاعات ما نادرست باشد، چه بسا باورها و افکار نادرستی بر صفحه ذهن ما نقش بسته باشد.

از کجا معلوم نظر مخالفان درست نباشد؟ از کجا معلوم باورهایی که بدون تفکر نقادانه در کودکی و نوجوانی قبول کردیم درست باشند؟

مغز انسان معنا ساز و الگو ساز است و الگوی خود را حقیقت تلقی می کند. علت اینکه هر انسانی فکر میکند حق با اوست و دیگران اشتباه می کنند همین است. اگر به چند نقاش چند بوم سفید و وسایل نقاشی بدهیم و از هر یک بخواهیم رو به هر سویی که میخواهند بنشینند و نقاشی خود را بکشند، متناسب با مناظری که در آن منطقه وجود دارد نقاشی هایی کشیده خواهد شد. حال فرض کنید هر نقاشی، تصویری که بر روی بوم خود کشیده را حقیقت بداند و دیگر نقاشی ها را چون منطبق بر نقاشی خود نیستند باطل بداند. مغز ما متناسب با اطلاعاتی که از محیط دریافت میکند الگوی خاص خود را ترسیم میکند و بوم نقاشی خود را حقیقت محض می انگارد.

مغز انسان بطور طبیعی، خود را معتبر میداند. همواره بدنال تایید خود است و سعی میکند اشتباهات، قصور و مشکلات خود را نبیند. وقتی چیزی را نمیداند، تمایل دارد به گونه ای اظهار فضل کند. معلومات خود را صحیح و معلومات دیگران را اشتباه می بیند، چون معیار سنجشش، الگوی ذهنی خودش است. برای ایجاد تواضع فکری باید مغز را با اشکالات و نارسایی هایش آشنا کنیم. باید متوجه شود که عقل کل در اختیار او نیست.

انسان متفکر **تواضع فکری Intellectual Humility** دارد، یعنی اینکه نسبت به انبوه مطالبی که نمی داند آگاه است. در این زمینه سقراط سمبل و نماد ما در تواضع فکری است. او همواره میگفت من یک چیز میدانم و آن اینست که چیزی نمیدانم.

این جمله مولانا هم که میگوید "**چه دانم های بسیار است لیکن من نمی دانم**" سخنی در باب تواضع فکری است.

وقتی موضوعی بخصوص مطرح نباشد، اگر شما از افراد سوال کنید وقتی از ما سوالی میپرسند و ما جواب آنرا نمیدانیم چه باید بگوییم افراد معمولاً میگویند باید صداقت داشته باشیم و بگوییم نمیدانیم. ولی مشکل اینجاست که در موقعیتی خاص وقتی بحثی به میان آید، افراد معمولاً آنچنان با حرارت در باره موضوع سخن میگویند تا جهل و نادانی خود را پنهان کنند. برای بسیاری، ندانستن یعنی جهل و جاهل صفتی است که کسی از آن خوشش نمی آید. پس بهتر است چیزی بگوییم و اظهار فضلی بکنیم. در نظر همه موافقت دارند که نباید بیخودی اظهار فضل کرد ولی در عمل اکثر افراد اهل اظهار نظر و دفاع جانانه از موضع خود هستند.

تظاهر به دانستن از جمله گرفتاری هایی است که باید با تقویت فضیلت تواضع فکری آنرا در خود تعدیل کنیم.

یک تمرین عملی در اینجا میتواند این باشد که: برای اینکه بدانیم سطح معلومات ما در باره موضوعی خاص چقدر است روی کاغذ بنویسیم: من در باره این موضوع چه میدانم و چه نمیدانم. مثل مبصر ها که روی تخته اسامی بچه ها را بصورت خوب/بد مینوشتند.

این تمرین عملی را در دو مورد میتوان نوشت. اول همان که گفتم چه چیز میدانم و چه چیز نمیدانم. دوم در کنار اینکه به خود یادآور میشویم که چیزهایی هست که ما نمیدانیم در کنار این کار نسبت به معایب فکری خود آگاه باشیم مثلا نسبت به تعصب ها و سوگیری های خود، خودبرتربینی، دخالت احساسات و اینگونه موارد.

با خود فکر کنید در چه اموری تعصب دارید که ممکن است از مدار درست اندیشیدن شما را خارج کند.

از اینکه به صراحت بگویید من نمیدانم ابا نداشته باشید. گاهی پاسخ بعضی پرسش ها یک جمله کوتاه است: **من نمیدانم.**

البته در بعضی موارد گفته میشود اینکه صراحتا بگوییم چیزی را نمیدانیم ممکن است عواقب ناخوش آیندی به همراه داشته باشد و به ما آسیب بزند. مثلا اگر مدیر پروژه از کارمند خود سوالی پرسد بهتر است با مهارت بیشتری به این سول جواب داده شود. مثلا بگوییم باید بررسی بیشتری انجام دهم و با اطلاعات دقیق تر جواب دهم. اگر صاف و مستقیم بگوییم من نمی دانم ممکن است شغل خود را از دست بدهیم.

در محیط خانه باید فرهنگ صحیح به کودک آموزش داده شود. کودک مشاهده کند که بزرگترها تظاهر به دانستن همه چیز نمی کنند. چون کودک از رفتار بزرگترها یاد میگیرد نه از نصیحت های آنها.

در اینجا ذکر خاطره ای از دوره های روش تدریس در ایران. در یکی از دوره های روش تدریس در کرج، از مدرسانی که در دوره شرکت داشتند سوال کردم وقتی زبان آموز از شما معنای لغتی را سوال میکند که جواب آنرا بلد نیستید چه میکنید؟ پاسخها به طرز اعجاب آوری عجیب بود. یکی گفت میگویم آخر زنگ جواب شما را میدهم و در طول کلاس یواشکی در گوشی یا لپ تاپ جواب را پیدا میکنم. دیگری گفت جوابی را به شکل حدس میدهم و اگر برگشت گفت فلان معنا درست بوده میگویم کلمات معانی متفاوتی دارند. دیگران به همین ترتیب هر یک جوابی دادند و پاسخ اصلی در میان جواب ها نبود. هیچ کدام از دبیران حاضر نبودند به شاگرد خود بگویند معنای آن لغت را نمی دانند.

انسانی که تواضع فکری دارد از این عبارتها زیاد استفاده می کند: تا آنجا که من میدانم/اگر اشتباه نکنم/ بر اساس اطلاعاتی که من دارم که ممکن است درست یا کامل نباشد/

برخی خصلت های فکری را میتوان روی محور فرضی صفر تا صد قرار داد و برای آن حد وسط مطلوب در نظر گرفت. یعنی وقتی خصلتی در حد مطلوب باشد در وسط محور قرار میگیرد که به این میگوییم حد وسط طلایی یا Golden Mean

نقطه صفر جایی است که فرض میشود خصلت مورد نظر اصلا وجود ندارد و نقطه فرضی صد نشان دهنده این است که ویژگی مورد نظر در حد افراط وجود دارد که باز عیب محسوب میشود.

تواضع فکری را میتوان روی این محور فرض کرد. نقطه صفر تواضع فکری را تکبر فکری یا غرور فکری میگویند. نقطه صد آن یعنی تواضع فکری در حد افراط را سست عنصری فکری میگویند. کسی که هیچ اعتمادی به دانش و تفکر خود ندارد و با وزش هر نسیمی تغییر عقیده میدهد.

در اینجا بحث ما این است که برآورد دقیقی از معلومات خود از یک طرف و قدرت فکر خود از سوی دیگر داشته باشیم. نه خود را کمتر ببینیم و نه بیشتر. متفکرانی مانند ریچارد پال نقطه مقابل تواضع فکری را تکبر فکری در نظر گرفته اند.

این ویژگی باید در انسان تعدیل شود و با تلاش آگاهانه به تواضع فکری مبدل شود. چون وجود چنین خصلتی دیگر جایی برای اصلاح و بهتر کردن تفکر نمیگذارد. از کسانی نباشیم که ادای دانستن در می آورند. اهل ادعا و گزافه گویی نباشیم و آمادگی داشته باشیم تا ضعف و اشکال در دانش و تفکر خود را بپذیریم.

یکی از جنبه های آگوستینیزم یا خودبرتربینی این است که شخص عیوب فکری خود را نمیبیند، از اینکه ممکن است مطلبی را نداند یا اشتباه بداند آگاهی ندارد.

همچنین باید مراقب افرادی که دانش سطحی دارند باشیم. کسی که هیچ نمیداند معمولا گرفتاری کمتری دارد. امان از خورده معلومات که مثل پول خورد بسیار پر سر و صداست. جمله معروف الکساندر پوپ شاعر نامدار قرن ۱۸ انگلیس

### A little learning is a dangerous thing

**دانش و معلومات کم ما را دچار توهم دانستن میکند** که میتواند نتایج زیانباری داشته باشد.

از کسانی نباشیم که در باره هر مطلبی اظهار فضل میکنند. این خود دلیل جهل است.

اصلا یکی از راههای شناخت میزان صداقت افراد این است که از آنها در باره موضوعات پراکنده پرسید اگر در باره هر موضوعی بر کرسی اظهار فضل نشستند، آنموقع در صداقت یا عقل شان شک کنید. اینقدر مسائل مختلف امروزه پیچیده و فنی شده اند که تقریبا غیر ممکن است کسی در باره تنوعی از مسائل بتواند نظر کارشناسی دقیق به شما بدهد.

پس تواضع فکری این است که نسبت به جهل خود آگاه باشیم و در جایی که مطلبی را نمیدانیم ادای دانستن در نیآوریم.

از خودتان پرسید: وقتی از من درباره مطلبی سوال میشود و میدانم که پاسخ را نمیدانم چکار میکنم؟

تواضع فکری مستلزم این است که توجه پیدا کنیم تا بیش از آنچه میدانیم، ادعای دانستن نکنیم. البته این به معنای سست عنصری و مطیع دیگران بودن نیست. این فضیلت فکری تاکید دارد تا شیادی و ادعای همه چیز دانی را کنار بگذاریم.

انسان متفکر کسی است که باورهای نادرست و تصورات غلط خود را کشف و بر طرف میکند. او تعصبات و اوهامی را که سالها با خود داشته را پیدا میکند و کنار میگذارد.

انسان متفکر در باره موضوعی که اطلاعات کافی و دانش لازم را ندارد قضاوت نمی کند. او بخوبی مرز بین آنچه میداند و آنچه را نمی داند، میشناسد.

انسان متفکر به صراحت آنچه را نمی داند متذکر میشود و هرگز ادعای دانستن آنچه را که نمی داند ندارد.

انسان متفکر اشتباه خود را به آسانی و با روی خوش میپذیرد و نظر خود را در برابر دلایل بهتر عوض میکند.

انسان متفکر نشان میدهد که کاملا نسبت به این موضوع آگاه است که ذهنش تحت تاثیر فرهنگی که در آن پرورش یافته به طرز خاصی شکل گرفته و جهان بینی او تحت تاثیر آن فرهنگ بخصوص است و بطور خودآگاه و یا ناخودآگاه فرهنگ خود را برتر می داند. انسان متفکر، با جدیت به مطالعه دیگر فرهنگ ها می شتابد تا بینش و دانش خود را وسعت بخشد.

واقف بودن به ضعف ها و نقصان در تفکر خود سبب ایجاد تواضع فکری در ما می شود. توجه به این نکته که در باره خیلی از موضوعات اطلاعات کافی نداریم. به تاثیر سوگیری ها و تعصب آگاه شویم. بدانیم که ذهن به اطلاعات و باورهای نادرست، آغشته می شود و ایده ها و باورهای زیادی بصورت غیر نقادانه در ذهن جای گرفته اند. توجه پیدا کنیم که تا چه اندازه باورهای غلط و افکار موهوم به ما تلقین شده اند.

از خود سوال کنیم تا چه اندازه مفاهیم ذهنی من، پدیده ها را نمایندگی میکنند؟ من چگونه جهان بیرون از ذهن را ادراک میکنم؟ ادراک من چه کیفیتی دارد؟

تا چه اندازه احساسات، مانع از عقلانیت میشود؟

انسان متفکر میداند وقتی کسی دوست داشته باشد یا از کسی متنفر باشد نمیتواند در باره اش منصفانه و منطقی فکر کند. حب و بغض مانع از ادراک صحیح میشود.